



## با تحریم گسترده انتخابات بادداشت صادق کار



روزنامه همشهری در ۱۴ آبان گزارشی در مورد کاندیداهای انتخابات مجلس منتشر نمود. به نوشته این روزنامه بیشترین کسانی که در روز نخست خود را نامزد کرده‌اند از افراد وابسته به جبهه پایداری و مسئولین دولت احمدی نژاد هستند. تقریباً همه این افراد مجلس کنونی را بدترین مجلس دوران جمهوری اسلامی خوانده‌اند و مدعی شده‌اند بر قراری عدالت یکی از اهداف و برنامه‌های آنهاست. خبرهای تازه تر حاکی از نامزدی شمار بیشتری از چهرهای سرشناس محافظه کار نسبت به نامزدهای اصلاح طلب دارد. به نوشته "مهر" ۶۷ درصد از چهره‌های شاخص محافظه کاران و ۳۷ درصد از اصلاح طلبان شناخته شده جزء کاندیدادها هستند. به گزارش این خبرگزاری افراد ناشناس و کم شناسی نیز که ادعای مستقل بودن دارند و شمارشان از سرشناس‌ها بیشتر است نامزد نمایندگی در مجلس شده‌اند.

انتخابات مجلس فرمایشی و گوش بفرمان رهبر در شرایطی قرار است در اسفند برگزار شود که کشور در گرداب بحران‌های مختلف گرفتار شده است، فقر و بی عدالتی در کشور بیداد می‌کند، فساد سرپای حکومت را در بر گرفته، اعتراضات و اعتصابات به یک امر روزمره تبدیل شده و خیزش گرسنگان و بی چیزان به ستوه آمده تحت سرکوب خونین و خشن قرار دارد و حکومت هر درخواستی برای ایجاد رفرم و تغییر قوانین انتخاباتی تبعیض آمیز و ارتجاعی اش را با سرکوب پاسخ می‌دهد. مجلس و ریاست جمهوری فاقد قدرت و اختیار هستند و نقش مجریان اوامر ولی فقیه را به عهده دارند و نتوانسته‌اند تغییری به نفع مردم در کشور ایجاد کنند. دور زده شدن مجلس در جریان تصمیم به گران کردن بنزین توسط خامنه‌ای و تسلیم بی چک و چانه نمایندگان مجلس و بی عملی نمایندگان بی خاصیت و دنباله رو مجلس در هنگام کشتار سعبانه صدها نفر از جوانان کشور به دستور خامنه‌ای و روحانی، بار دیگر بی خاصیت و فرمایشی بودن این نهاد به اصطلاح انتخاباتی و جایگاه واقعی اش در رژیم فقهاتی را بر مردم آشکار نمود و به برخی توهمات و توهم پراکنی‌ها در این مورد خاتمه داد. از میان صدها نماینده تنها تعدادی کمتر از انگشتان یک دست آنهم پس از ملاحظه وسعت اعتراضات و نگرانی از بایکوت شدن از طرف مردم انتقادات بی خاصیتی از این قضایا نمودند و دو سه نفر از آنها تهدید به استعفا نمودند که آن هم توخالی از کار درآمد. تنها یک زن از میان چند صد مرد نماینده پر غیرت، جرات کرد از چند دقیقه فرصتی که به دست آورده بود چند جمله اعتراضی به زبان براند، که البته بخشی از سخنان وی در میان همهمه نمایندگان چاپلوس مجلس شنیده نشد و بقول اش که گفته بود بعنوان اعتراض در انتخابات بعدی کاندیدا نمی‌شود هم عمل کرد. که البته اگر کاندیدا هم می‌شد حاج آقا جنتی و ایل و تبارش او را از کرده‌اش نادم می‌کردند!

با این اوصاف شرکت در انتخاباتی که مجلسی با مختصات فوق الذکر از دل آن بیرون بیاید گذشته از اینکه کدام جناح حکومتی اکثریت را در آن داشته باشد به غیر از این که موجب مشروعیت بخشیدن به حکومت و سواستفاده آن شود نه تنها فایده‌ای به حال مردم ندارد بلکه زیانبار هم خواهد بود. وضعیت فلاکت‌ناز کشور و مردم در واقع نتیجه فرمایشی بودن مجلس و نهاد ریاست جمهوری است. اکثریت قوانینی که در این مجلس به تصویب رسیده به فقر و بی عدالتی، تبعیض و نابرابری و رکود و تورم و بی حقوقی کارگران و زحمتکشان، تشدید استثمار و افزودن بر ثروت ثروتمندان منجر شده است. تصویب قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و اقلیت‌های قومی - ملی و مذهبی، تغییر قوانین علیه کارگران و مزدبگیران، که همگی به فقر و بی عدالتی و آزار و اذیت مردم منجر شده نتیجه قوانین مصوب این مجلس و لوایح دولتی مشابه است. همه نمایندگان حاضر در مجالس تاکنونی در تدوین و تصویب این قوانین نقش و سهم داشته‌اند، بنابراین ادعاهای اصلاح طلبی و عدالت خواهی هیچ کدامشان واقعیت ندارد و اگر داشت این همه بی عدالتی و فقر و تبعیض در یکسو و انبوه ثروت در سوی دیگر انباشته نمی‌شد. شکاف طبقاتی بی سابقه و



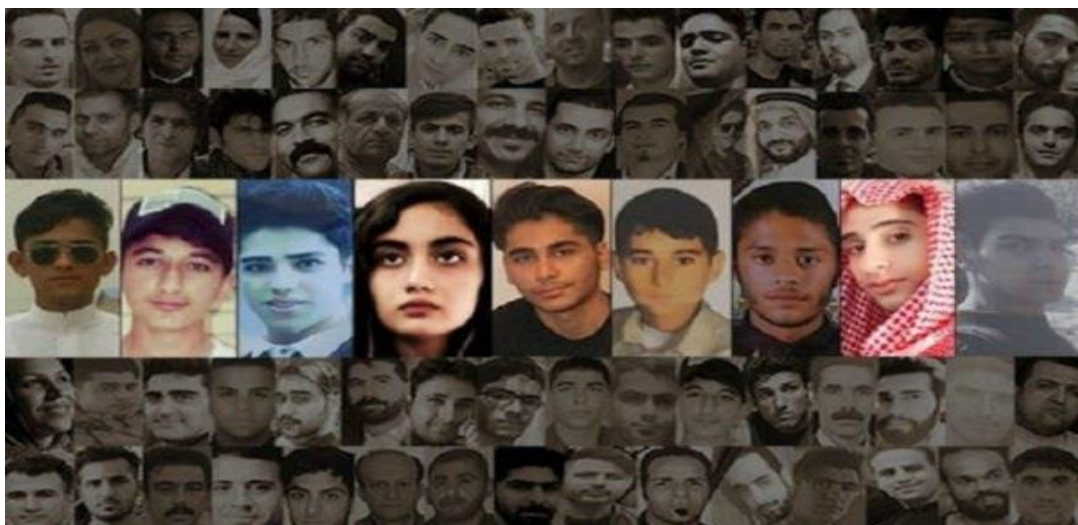
به زیر فقر راندن ده‌ها میلیون از زحمتکشان به زیر خط فقر این ادعاهای کاذب و تجربه شده را رد می‌کند. حقوق شهروندی، رونق اقتصادی و دیگر وعده‌های که روحانی و اصلاح طلبان حامی وی به مردم داده بودند نه تنها به عمل در نیامدند بلکه وضعیت شان وخیم تر از گذشته شد.

هدف از آوردن دوباره دارودسته احمدی نژاد، یکی از عوامل اصلی بی عدالتی جز تلاش برای گرم کردن تنور انتخابات با تظاهر به عدالت خواهی به قصد کشاندن بخش های کم اطلاع تر جامعه و دزدیدن آرای عوام به تنگ آمده از بی عدالتی بی سابقه در کشور با توجه به بی عدالتی های گسترده ای که در جامعه در اثر سیاستهای اقتصادی تعدیلی و نئولیبرالی دولت روحانی در سایه سرکوب بر مردم تحمیل شده، نیست. عدالت خواهی دروغین دارودسته رئیسی جنایتکار و قالیباف نیز از جنس عدالت خواهی احمدی نژاد است. هیچ سیاستمدار محافظه کاری در میان جریانات محافظه کار یافت نمی شود که برآستی طرفدار عدالت واقعی باشد. عدالت برای آنها وسیله است برای دست یافتن به قدرت.

با این سوابق جزء منفعت طلبی شخصی چه عامل دیگری می تواند انگیزه کاندیدا شدن این جماعت آنهم در شرایطی که شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای و روحانی هنوز در جامعه طنین انداز است، برای رفتن به مجلس باشد؟

کاندیدا شدن این افراد آنهم در شرایطی که کف خیابانها و میادین شهرهای کشور از خون صدها نفر از مردم که به خاطر اعتراض به بی عدالتی و فقر و دیکتاتوری کشته شدند، هنوز رنگین است واقعا که مایه شرمندگی است.

چه آنهایی که مدعی عدالت خواهی هستند و چه آنهایی که با شعارهای به ظاهر اصلاح طلبانه به میدان آمده‌اند، فریبکارانی بیش نیستند که با علم به هیچ‌کاره بودن نهاد مجلس کاندیدا شده‌اند و به تبع آن و سابقه مجالس گذشته می دانند که هیچ کدام از وعده‌هایی را که به مردم داده‌اند نمی توانند عملی کنند. آنچه که مردم در پی آن هستند، عدالت و آزادی بود که هیچ کدامشان در این رژیم ضد مردمی دست یافتنی نیست. اگر از طریق انتخابات فرمایشی مردم به خواسته هایشان می توانستند برسند تاکنون رسیده بودند و نیازی نمی دیدند که برای برکناری رژیم به خیابان بیایند. سرکوب جنیش ۸۸ توهم تغییر و اصلاح رژیم جمهوری اسلامی را از اذهان اکثر مردم پاک کرد و خیانت دارودسته روحانی در انتخابات گذشته به مردم، گذار از نظام فقهاتی را در دستور کار جامعه قرار داد. سرکوب خونین خیزش سراسری آبانماه عزم مردم برای تحریم انتخابات و گذر از این رژیم دیکتاتوری و عدالت ستیز استوارتر کرد. کاندیدا شدن در انتخابات فرمایشی توهین به مردمی است که عزادار جوانان جان باخته شان و نگران هزاران عزیز زندانی شان هستند و مشروعیت دادن به رژیمی ست که اکثر مردم برای گذر از آن مبارزه می کنند. تحریم انتخابات و فعالیت برای پیوستن هرچه بیشتر مردم به تحریم مهمترین و موثرترین پاسخی است که بایستی همراه با گسترش و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات برای آزادی زندانیان از شکنجه گاه های جنایتکاران حاکم به آن داده شود.



**از فراخوان مادران جان باختگان برای پنجم دی ماه پشتیبانی می کنیم!**



## استراتژیهای اتحادیه های کارگری معطوف به کار نامتعارف - بخش پایانی اما سروینو مرکز اسپانیائی مطالعات تخصصی در علوم اجتماعی



۳. اتحادیه های کارگری اسپانیا و کارگران نامتعارف - ادامه

- اثرات کار موقت بر ظرفیت نمایندگی اتحادیه های کارگری اسپانیا
- ورود قابل ملاحظه گروه دیگری از کارگران، غیر از پشتوانه جا افتاده اتحادیه های کارگری، در بازار کار می تواند ظرفیت نمایندگی اتحادیه ها را در وجوه و اشکال زیر تحت تأثیر گیرد:
- گزاره 1: اثرات کمی. ورود مشاغل موقت هم از میزان عضویت و هم از آرای اتحادیه ها کاسته است.
- گزاره 2: اثرات کیفی. ظرفیت نمایندگی اتحادیه ها، به علت ناتوانی آنها برای حمایت از کارگرانی غیر از پشتوانه جا افتاده شان، تضعیف شده است.

داده های موجود در ارتباط با گزاره اول حاکی از آن اند که میزان حمایت از اتحادیه های کارگری توسط کارگران کاهش نیافته است، بلکه حتی افزایش یافته است. میزان عضویت در اتحادیه ها در تمام بخشهای تولیدی، خاصه در بخش کشاورزی، صنعت و نیز در بخش خدمات، فزونی داشته است. همچنین میزان مشارکت در انتخابات اتحادیه ای، در خلال یک دهه پایانی قرن گذشته از 75/4 درصد به 80/7 درصد رسیده بوده است (1). بنابراین نمی توان مدعی شد که ورود کارگران موقت به بازار کار موجب تضعیف حمایت طبقه کارگر از اتحادیه های کارگری در اسپانیا بوده است. تنها می توان گمان زد که اگر اتحادیه های کارگری به کارگران موقت توجه بیشتری می داشتند، حمایت کارگران از اتحادیه ها نسبت به سطح کنونی بیشتر می بود.

با این حال، داده های موجود گزاره دوم را تأیید می کنند. این داده ها نشان می دهند که حمایت کارگران موقت از اتحادیه ها در سطح بسیار نازلی قرار دارد. در ابتدای دهه گفته شده، درصد اعضای اتحادیه ها که به مشاغل موقت اشتغال داشتند، فقط 12 درصد بود و فقط 15 درصد آرای داده شده در انتخابات اتحادیه ها متعلق به کارگران موقت بود.

بنابراین اتحادیه های کارگری اسپانیا قادر به تأمین حمایت لازم از کارگران موقت نبوده اند. این واقعیت یک چالش واقعی را در برابر این سازمانها برای تحکیم ظرفیت نمایندگی شان قرار می دهد، زیرا: 1- امروزه کارگران موقت سهم بزرگی از نیروی کار را تشکیل می دهند، 2- مطالبات و نیازهای این گروه از کارگران غیر از مطالبات و نیازهای کارگران حامی جا افتاده اتحادیه هابند.

حمایت محدود از اتحادیه ها در میان کارگران موقت را می توان مبتنی بر شرایط کاری که این کارگران با آن مواجه اند، توضیح داد. از یک طرف استخدام موقت در بخشهای بیشترین میزان را دارد که حضور اتحادیه ها در آنها بسیار محدود است (2). از سوی دیگر هراس از اخراج نزد کارگران موقت، موجب آن است که درصد بیشتری از آنان، تمایل ضعیفی برای پیوستن به اتحادیه ها و رأی دادن به آنها از خود نشان دهند. با این وجود، این فقط جزئی از مسئله است. اگر شرایط کار تنها دلیل آنان برای عدم عضویت در اتحادیه ها و عدم شرکت در انتخابات اتحادیه ها می بود، نایست موضع کارگران موقت در قیاس با دیگر گروه های کارگری نسبت به اتحادیه ها چندان متفاوت می بود. اما این درست وضع واقع است. تحقیقات، و مشخصاً تحقیقات انجام یافته توسط پولویجا، نشان می دهند که موضع کارگران موقت نسبت به اتحادیه های کارگری در قیاس با کارگران ثابت منفی تر است. به عبارت روشنتر کارگران موقت نه تنها به اتحادیه ها نمی پیوندند و به آنها رأی نمی دهند، بلکه موضع چندان مثبتی هم نسبت به این سازمانها ندارند.

- استراتژی اتحادیه های کارگری در رویکرد نسبت به کارگران موقت





هدف از این بخش آخر نوشته حاضر، از یک سو ارائه مشوقهای ایدئولوژیک و سازمانی ای است که اتحادیه های کارگری اسپانیا می توانند برای ایفای نقش نمایندگی کارگران موقت در نظر داشته باشند؛ و از سوی دیگر ترسیم بافتار نهادی و سازمانی اتحادیه گرائی در اسپانیاست.

آیا اتحادیه ها از انگیزه های لازم برای نمایندگی کارگران موقت برخوردارند؟ این سؤال اولی است که باید به آن پاسخ گفت. به زعم نگارنده اتحادیه های کارگری اسپانیا از هر دو انگیزه ایدئولوژیک و سازمانی برای ایفای این نقش برخوردارند. هر دو اتحادیه سراسری اسپانیا (UGT و CCOO) همیشه خود را به عنوان سازمانی مدافع کل طبقه کارگر معرفی کرده اند. بنابراین این اتحادیه ها در وجه ایدئولوژیک دارای انگیزه برای نمایندگی کارگران موقت هستند.

اتحادیه های گفته شده از انگیزه های سازمانی برای این مهم نیز برخوردارند. در درجه اول کارگران موقت بخش بزرگی از کل نیروی کار را تشکیل می دهد. حمایت از این گروه کارگران می تواند موجب تقویت کاملاً چشمگیر قدرت اتحادیه ها در امر نمایندگی کارگران گردد. به علاوه در خلال دو دهه اخیر استخدام ثابت جای خود را مدام بیشتر و بیشتر به استخدام موقت سپرده است (3). اهمیت کمی مشاغل موقت و تقلیل نسبی مشاغل ثابت بنیان انگیزه های سازمانی اتحادیه ها برای نمایندگی از کارگران موقت است.

من در ارتباط با بافتارهای نهادی و سازمانی، سه عامل دیگر را نیز در نظر می گیرم که دفاع از کارگران موقت را تسهیل کرده اند. از یک سو، در دو دهه آخر قرن گذشته دو اتحادیه سراسری نامبرده در تدوین سیاستهای مشترک با هم همکاری داشته اند. خاتمه مجازی رقابت اتحادیه ای در سطح ملی می تواند به اثرگذاری بیشتر استراتژیهای اتحادیه ای بیانجامد. از سوی دیگر رشد انفجاری استخدام موقت، اجماعی را در عرصه سیاسی و اجتماعی برای کاهش این نوع استخدام موجب شده است. بر این زمینه برای اتحادیه ها ساده تر خواهد بود تا پیرامون شرایط کار بهتر برای کارگران موقت به مذاکره با کارفرمایان و دولت اقدام کنند.

با این وجود دو عامل نیز هستند که می توانند نمایندگی مورد بحث را دشوار کنند. تعارض بین منافع کارگران ثابت و کارگران موقت یکی از آنهاست. ترس اتحادیه های کارگری از تضعیف حمایت اعضای جاافتاده آنها در صورتی که دفاع از منافع کارگران موقت، به معنای بدتر شدن شرایط کار گروه نخست باشد، می توانسته دلیلی برای امتناع از تدوین یک استراتژی فراگیر بوده باشد.

ساختار سازمانی اتحادیه ها مانع دیگری را برای نمایندگی کارگران موقت تشکیل می دهد. حضور اتحادیه ها در شرکتهای کوچک و آژانسهای کاریابی، که در آنها عقد استخدامهای موقت رواج دارد، سخت محدود است.

با در نظر گرفتن تمام این عوامل، استراتژی ممکنه توسط اتحادیه های کارگری اسپانیا در رویکرد نسبت به کارگران موقت می تواند یک استراتژی نیمه فراگیر باشد. اتحادیه ها از انگیزه های ایدئولوژیک و سازمانی برای نمایندگی از کارگران موقت برخوردارند، اما ترس از تنزل حمایت پشتوانه جاافتاده و دشواریهای دسترسی به شرکتهایی که محل حضور بیشترین کارگران موقت است، می توانند به محدودیت واقعی در دفاع از این گروه کارگران گردد. این نکته البته فقط گزاره ای است که در واقعیت باید آزموده شود.

\*\*\*\*

(1) بنا به تحقیقات انجام شده، این حمایت بیشتر از اتحادیه ها، در اثر رشد اقتصادی در دهه گفته شده و به دلیل روی آوری مستقیمتر اتحادیه ها به کارگران در نتیجه تمرکززدائی از روند قراردادهای جمعی بوده است.

(2) استخدام موقت مشخصاً در شرکتهای کوچک بسیار رایج است؛ جایی که حضور اتحادیه ها در آنها بسیار مشکل است. بخشی از این قراردادهای موقت هم توسط آژانسهای کاریابی عقد می شوند، که حضور اتحادیه ها در آنها فوقالعاده دشوار و پیچیده است.

(3) این روند جایگزینی بیش از همه متوجه کارگران ثابت کم مهارت بوده است.





## نگاهی کوتاه به نیروهای شرکت کننده در اعتراضات آبانماه ۹۸ علی صمد



بنا به پاره‌ای گزارشات و بررسی‌ها جمعیت ساکن شهرهای بزرگی مانند تهران، از میدان ولی عصر یا میدان انقلاب به بالا، مردم این مناطق حضور چندانی در اعتراضات آبانماه ۹۸، نداشتند. در اصل، اعتراضات در تهران و سایر شهرهای بزرگ، بیشتر در مناطق پایین شهر و حاشیه‌های شهرهای بزرگ روی داده‌اند.

شرکت کنندگان در جنبش ۸۸ بیشتر از میان طبقه متوسط و مناطق مرفه نشین تر شهرهای بزرگ بودند. در تهران نیز مشارکت مردم از میدان انقلاب به بالا بود. در نخستین انتخابات ریاست جمهوری که پس از سرکوب جنبش ۸۸ برگزار شد و حسن روحانی رای بیشتری آورد، بیشترین کسانی که به او رای دادند از مناطق میانه شهر به بالا بودند. به عبارتی اکثریت شرکت کنندگان در جنبش ۸۸ و رای دهندگان به روحانی از مناطق مرفه نشین تر شهرها بودند و بیشترین اجتماعات انتخاباتی حمایتی از روحانی نیز در این مناطق انجام شد اما این بار در اعتراضات آبانماه ۹۸ برعکس شده بود. جنوب شهر تهران و مناطق حاشیه نشین پایتخت وارد اعتراضات شهری شده بودند. در شیراز و اصفهان هم چنین وضعیتی بود. اطلاعاتی که از این سه شهر یعنی تهران، اصفهان و شیراز جمع آوری شده‌اند، این واقعیت را نشان می‌دهند که از مرکز شهر و حاشیه‌های این شهرهای بزرگ به پایین اعتراضات گسترده بوده‌اند. در واقع طبقه متوسط شهری میانه به پایین که وضعیت خوبی ندارد و در حال ریزش و فقیرتر شدن است به همراه طبقه زحمتکش و کارگری شهری، به اضافه حاشیه نشینان که در فقر مطلق و شدید قرار دارند نیروی اجتماعی اعتراضات اخیر بوده‌اند. اما طبقه متوسط مرفع و پولدارهایی که وضعشان در دوره حسن روحانی بسیار بهتر از قبل شده وارد اعتراضات اخیر نشده‌اند.

در اعتراضات آبانماه علاوه بر اقشار و طبقات محروم جامعه، حضور جوانان ناراضی از وضعیت موجود بسیار مشهود بوده است. نیروی اصلی اعتراضات اخیر غالباً از میان نوجوانان و جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ سال بوده‌اند که اغلب بیکار و فقیر و بدون آینده هستند. جوانان نه تنها امیدی به آینده ندارند، بلکه اساساً چیزی نیز برای از دست دادن ندارند. این امر به ویژه در میان جوانان بیکار مجرد مشهودتر است. هر چند آمار دقیقی رسماً از دستگیر شدگان اعلام نشده اما بررسی‌های مختلفی (در نشریات و سایت‌های داخل کشور) نشان می‌دهند که نزدیک به ۷۵ درصد از دستگیر شدگان آبانماه "بیکار" هستند و بقیه نیز اکثراً متعلق به جامعه کارگری‌اند. همچنین ۸۰ درصد از آنها زیر ۳۰ سال سن دارند و ۷۵ درصد نیز تحصیلاتی در حد دیپلم و زیر دیپلم دارند. در این بین برخی آمارها می‌گویند که در حدود ۸۰ درصد دستگیر شدگان، مجرد هستند.

شعارها و مطالبات معترضین اصلاً دارای رنگ و بوی مذهبی نبوده‌است. با وجود اینکه بافت مذهبی و سنتی اقشار حاشیه نشین و فقیر در جنوب شهرهای بزرگ بر کسی پوشیده نیست. اما مطالبات در این مناطق بیشتر اعتراض به گرانی، تورم، وضعیت بد معیشت بوده که بدلیل سرکوب، سیاسی و ضد حکومتی شده‌است. مشکل نان، کار و نداری حرف اول و اصلی معترضین بوده‌است. طبقه متوسط، و طبقه مرفع که بخش بزرگی از نیروهای دوران جنبش سبز را تشکیل می‌دادند در مواقع بسیاری در آن دوران با شعارهای مذهبی به اعتراض پرداخته بودند. اما معترضین اعتراضات اخیر که به بخش‌های کارگری، زحمتکش، حاشیه نشین و متوسط رو به پایین تعلق داشتند شعارهای مذهبی مطرح نکردند و اصلاً شعارهایشان در ارتباط با مذهب نبود و بدین ترتیب فضای برای سواستفاده حکومت از مذهب در میان معترضین بوجود نیامد.

در آبانماه اعتراضات در چند شهر بشکل مدنی و غیرخشونت آمیز برگزار شد. بخشی از مردم با خاموش کردن ماشین‌هایشان در خیابان، ایجاد ترافیک و با بسط نشستن در خیابانهای بعضی شهرها به شکلی مدنی و مسالمت آمیز اعتراض خود را نشان



دادند. اما حکومت به سرکوب شدید و خشن معترضین دست زد. و شدت بالای سرکوب اعتراضات را به شهرها و محلات دیگر کشاند و در مواقعی برخی از معترضین را به واکنش کشاند.

با وجود اینکه اعتراضات مدنی جوانان و زحمتکشان جامعه مورد سرکوب و تحقیر شدید حکومت و ارگان های امنیتی آن قرار گرفته بود اما معترضین بدنبال استفاده از خشونت نبودند. اسناد و مدارک زیادی وجود دارند که نشان می دهند بسیاری از آتش سوزی ها و خسارت ها توسط عوامل حکومتی و ارگان های سرکوب انجام شده است. و اگر در مواقعی برخی از معترضین دست به خشونت زده اند بیشتر در جهت دفاع از خود یا واکنشی در برابر خشونت شدید حکومت بوده است. روشن است که می بایست میان بکارگیری این نوع از خشونت با خشونت بکار رفته از طرف ارگان های امنیتی و انتظامی تفاوت بسیار زیادی قائل شد.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که کشانده شدن اعتراضات در مدتی کوتاه از چند شهر به ۱۵۰ شهر در ایران موجب شوک بسیار بزرگی در حکومت شد. و در این بین حکومت همه گونه خشونت را مورد استفاده قرار داد تا اعتراضات را خاموش کند. بکارگیری خشونت کور و کشتن چند صد نفر و دستگیری بیش از ده هزار نفر از معترضین و مردم عادی نشانه به هم ریختگی و از دست رفتن کنترل حکومت و ترس از دامنه گیری اعتراضات در دیگر بخش های جامعه بوده است. پتانسیل گسترش اعتراضات بدلیل ناراضی بودن اکثریت جامعه از حکومت بسیار بالاست و هر جرقه کوچکی می تواند همه را به خیابان بیاورد. ترس از حضور در خیابان برای اعتراض از بین رفته است و این را هم حکومت خوب می داند که اعتراضات را دیگر نمی توان فقط با سرکوب و بدون دادن هزینه بالا براحتی کنترل و خاموش کرد.

معترضین تجربه کردند که برای انجام تغییر و تحولات واقعی، ساختاری و کم هزینه تر در جامعه، مستلزم مشارکت بیشتر فرودستان و لایحه های گسترده تری از طبقه متوسط است. با گسترده تر شدن طیف معترضین، سرکوب دیگر پاسخگو نخواهد بود و زمانی که این موضوع از فعل به عمل در آید برچیدن بساط حکومت چندان دشوار نخواهد بود.

## حضور نیروی جوان در اعتراضات آبانماه

اکثریت کسانی که در آبانماه دست به اعتراضات زدند از میان نسل های دهه هفتاد و هشتاد بودند. نسل هایی که دیگر نمی توان آنها را با تهدید و ترساندن از سرکوب از صحنه جامعه حذف کرد. ما امروز در جامعه مان با زنان و مردان جوانی مواجه ایم که بدلیل تبعیض و بی عدالتی آمادگی ایستادن و درگیر شدن با نیروهای انتظامی و نیروهای ضد شورش در درونشان بسیار قوی شده است و در مناطقی از شهرهای بزرگ کشور بشکلی در اعتراضات آبانماه شاهد واکنشهای از این دست بوده ایم و دیده ایم که چگونه با دست خالی به مصاف نیروهای امنیتی تا دندان مسلح رفته اند. شرایط بگونه ای است که بخش قابل توجهی از این نیروی نوجوان و جوان بسمت رادیکال شدن هل داده می شوند. اکثر این جوانان از درگیر شدن با نیروهای سرکوب پاک می ندارند. چون حقیقتا در شرایط کنونی آینده روشنی در برابرشان وجود ندارد. و همین وضعیت باعث شده است که ترس و نگرانی از نیروهای سرکوب در میان آنها بشدت تضعیف شود. در واقع تجربه اعتراضات آبانماه نشان داد که ما از این پس با نیروی های جوانی مواجه خواهیم شد که دارای تجربه ایستادن، نترسیدن، مقاومت کردن، درگیر شدن و هزینه دادن تا پای جان را خواهند داشت.



Courtesy Photo

اکثریت کسانی که در آبانماه دست به اعتراضات زدند از میان نسل های دهه هفتاد و هشتاد بودند. نسل هایی که نمی توان آنها را با تهدید و ترساندن از سرکوب یا انداختن به زندان به بهانه وصل بود به خارج و جریانات خشونت طلب از صحنه جامعه حذف کرد. ما امروز در جامعه مان با زنان و مردان جوانی مواجه ایم که بدلیل تبعیض و بی عدالتی آمادگی ایستادن و درگیر شدن با نیروهای انتظامی و نیروهای ضد شورش در درونشان بسیار قوی شده است و در مناطقی از شهرهای بزرگ کشور بشکلی در اعتراضات آبانماه شاهد واکنشهای از این دست بوده ایم و دیده ایم که چگونه با دست خالی به مصاف نیروهای امنیتی تا

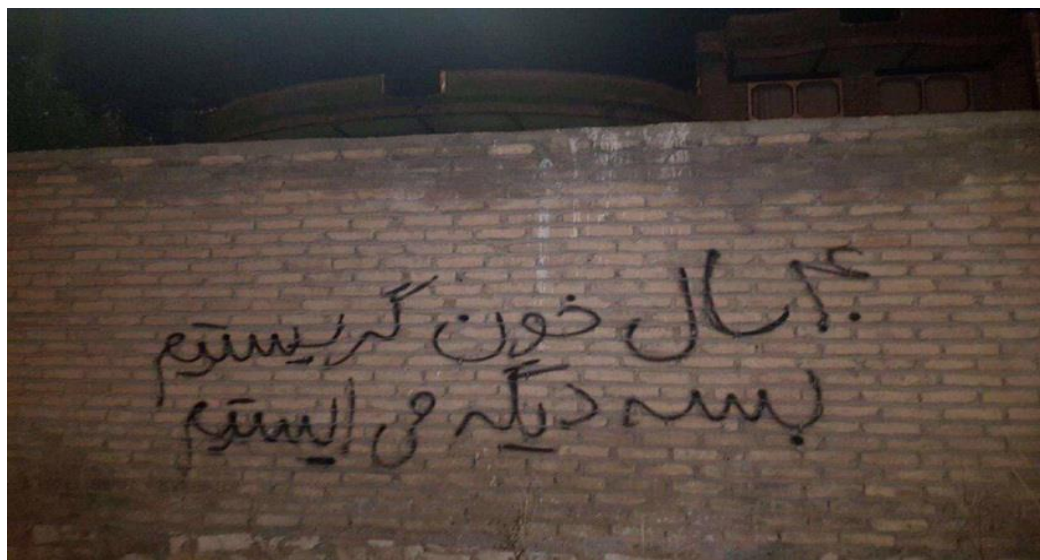




دندان مسلح رفته‌اند. شرایط بگونه‌ای است که بخش قابل توجهی از این نیروی نوجوان و جوان بسمت رادیکال شدن هل داده می‌شوند. اکثر این جوانان از درگیر شدن با نیروهای سرکوب باکی ندارند. چون حقیقتاً در شرایط کنونی آینده روشنی در برابرشان وجود ندارد. و همین وضعیت باعث شده است که ترس و نگرانی از نیروهای سرکوب در میان آنها بشدت تضعیف شود. در واقع تجربه اعتراضات آبانماه نشان داد که ما از این پس با نیروی های جوانی مواجه خواهیم شد که دارای تجربه ایستادن، نترسیدن، مقاومت کردن، درگیر شدن و هزینه دادن تا پای جان را خواهند داشت.

بسیاری از شواهد نشان می‌دهد که نیروی های معترض جوان بدنال گرفتن اسلحه و کشتن نیستند. اما در اعتراضات خود لاستیک آتش می‌زنند و موتورهای پلیس های ضد شورش و سرکوبگر را اگر دستشان برسد به آتش می‌کشند. در مواقعی که سرکوب شدید و بیرحمانه است از روی عصبانیت و خشم حتی می‌توانند با دست خالی به مراکز بسیج هم حمله کنند. بسیاری از آمار و ارقام دولتی و غیردولتی نشان می‌دهد که معترضین غالباً جوان بوده‌اند و به ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تبعیضات گسترده‌ای که در نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه و حکومت وجود دارد معترضند. زنده یاد مهندس بازرگان در دادگاه نظامی سال ۴۲ جمله معروفی را گفت که ما آخرین گروهی هستیم که به زبان قانون با شما سخن می‌گوییم و بعد از ما دیگر با این زبان با شما صحبت نخواهند کرد.

وضعیت اعتراضات آبانماه نشان می‌دهد که جامعه در سمت رادیکالیزه شدن سمتگیری کرده است. رادیکالیزم نهفته در میان دهه هفتادی‌ها و دهه هشتمادی‌ها ریشه در فقر خانواده‌های آنها و تبعیض و بیکاری و احساس ناامیدی از آینده دارد. مطالبات در لایه‌های مختلف جامعه آنقدر انباشته و بدون پاسخ مانده است که دیگر به حالت بحرانی و انفجاری کشیده شده است. اگر برنامه‌ای برای تغییر وضعیت شرایط کنونی ایجاد نشود سمتگیری جامعه بسمت رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر پیش خواهد رفت. فاکتورهای مختلفی نشان می‌دهد که اعتراضات از عرصه اجتماعی دارد با سرعت وارد عرصه سیاسی می‌شود و برای خود در این عرصه نیرو و قدرت اجتماعی ایجاد می‌کند. از یک طرف چنانچه پیشتر تاکید کردیم سرکوب و بی‌اعتنایی حکومت گاه این نیروهای متنوع معترضین را در اینجا یا آنجا بصورت واکنشی به خشونت می‌کشاند. و از طرف دیگر همه می‌دانند که در عرصه انتخابات و دو دوره ریاست جمهوری حسن روحانی هیچ تغییر مثبتی در زندگی اکثریت مردم بوجود نیامده است و جامعه دیگر در عرصه سیاسی و انتخابات جایی برای خود پیدا نمی‌کند و اعتمادها روزبروز ضعیف و ضعیف تر شده است. مردم وضعیت زندگی خود را می‌بینند که روزبروز رو به وخامت می‌رود و چیزی هم عوض نمی‌شود و به نیازی هم پاسخ داده نمی‌شود. به همین خاطر جوانان و بخش های مهمی از مردم این بار منتظر نماندند تا در انتخابات بازی دیگری را رقم بزنند و به خیابان بریزند. بنزین را بهانه کردند و برای طرح مطالبات خود به خیابان رفتند. اعتراضات سرکوب شد اما انباشت مطالبات و وجود فقر گسترده و خواسته های جوانان را نمی‌شود براحتمی با سرکوب کور و خشن کنار گذاشت. جامعه دوباره در فرصتی دیگر شروع به اعتراض، دفاع و طرح خواسته های خود در ابعادی وسیع تر خواهد کرد. برای این روز می‌بایست متحد و آماده شد.



**همه با هم به حمایت از بازداشت شدگان و خانواده‌های جان باختگان  
خیزش سراسری برخیزیم!**



## آیا اعتراض مسالمت آمیز آزاد است؟

صادق



خبرهای رسیده حاکی از بازداشت‌های گسترده فعالین سیاسی و اجتماعی دارند، در دو هفته اخیر ده‌ها تن از فعالین عرصه‌های مختلف بازداشت و یا توسط دستگاه سرکوب احضار شده‌اند. احکام زندان تعدادی از فعالین، دانشجویی، کارگری و زنان به آنها ابلاغ شده‌اند.

پروین محمدی عضو اتحادیه آزاد کارگران که به یک سال زندان محکوم شده است، برای گذراندن دوره محکومیت اش احضار شده است. یک بیدادگاه دیگر علی نجاتی یکی از رهبران سندیکای کارگران نیشکر را به ۵ سال زندان محکوم نموده، ۱۶ عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از طرف "پلیس امنیت" احضار شده‌اند. صابر قادری، فعال مدنی ساکن دهگلان و از اعضای سازمان محیط زیستی «جمعیت شیدای سبز لیلخ»، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است، ۴ تن از زنان عضو "ندای زنان" به نام‌های مریم محمدی، ناهید شفاقی، اکرم نصیریان و اسرین درکاله به سه سال و ۸ ماه زندان محکوم شدند. عیسی سحرخیز توسط نیروهای امنیتی احضار و افزون بر این‌ها برای شمار دیگر از فعالین نهادهای مدنی و صنفی که با دادن بیانیه به کشتار و بازداشت هزاران نفر از شرکت کنندگان در خیزش سراسری اعتراض نموده‌اند احضار فرستاده شده و عده‌ای از آنان نیز از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده‌اند. متأسفانه حمید شیخانی یکی از بازداشت شدگان شهرک طالقانی در ماهشهر نیز زیر شکنجه به قتل رسیده و مرگ وی را به خانواده اش ابلاغ نموده‌اند. در بعضی شهرها گشت خیابانی ویژه برای شناسایی و دستگیری افراد شرکت کننده در تظاهرات هفته‌های گذشته برقرار نموده‌اند. قبل از این نیز به گفته یکی از نمایندگان مجلس ۷ هزار نفر را دستگیر و زندانی کرده‌اند.

در حالی که عده‌ای از مقامات ارشد دولتی و حکومتی مرتب دم از حق اعتراض مردم سخن می‌گویند، عده دیگری مردم را به بستن دهان شان تهدید می‌کنند و از ماموران امنیتی می‌خواهند که از دستگیر شدگان اعتراف بگیرند و از تلویزیون پخش کنند تا بلکه اتهامات ناروایی را که آنها به تظاهر کنندگان می‌بندند، از زبان شکنجه شدگان تأیید کنند! فرمانده سپاه پاسداران معترضین را به "پلمپ کردن دهان" هایشان تهدید می‌کند، دادستان کل از دانشجویان و معترضین می‌خواهد که اعتراضات شان را کتبی کنند، علی مطهری، یادداشت نویس روزنامه جمهوری اسلامی، عباس عبدی، و... اتهامات وارده به معترضین را رد می‌کنند و هر کدام بخشی از دلایل واقعی اعتراضات را یادآوری می‌کنند، ولی رئیس جمهور، سخنگوی دولت وزیر کشور، رئیس شورای عالی دفاع و... همچنان مشغول متهم کردن معترضین به کارهای ناکرده و وارونه نشان دادن حقایق را دنبال می‌کنند و چراغ سبز به شکنجه گران برای شکنجه بازداشت شدگان می‌دهند.

اگر آنطور که مسئولین ارشد نظام می‌گویند اعتراض آزاد است، دروغ نیست، پس احضار و زندانی کردن کسانی که حتا یک سنگ هم بطرف کسی و مکانی پرت نکرده‌اند چیست؟

۱۶ عضو یک سندیکای کارگری مگر مرتکب کدام خشونت شده‌اند که احضار شده‌اند؟ علی نجاتی کدام مکان را به آتش کشیده که به ۵ سال زندان محکوم شده است؟ کدام کار او اعتراض خشونت آمیز بوده است؟

پروین محمدی جز فعالیت صنفی مسالمت آمیز چه خلاف دیگری نموده که به یک سال زندان محکوم شده؟





کجای کار فعالان محیط زیست خشونت آمیز و غیرمسالمت آمیز و آشوبگرانه بوده اند که هر کدام شان به ۴-۵ سال زندان محکوم شده و یکی شان در زندان کشته شده است؟

بدجبابی کجایش خشونتگری و آشوبگری است که دهها نفر بخاطر آن به زندان و جریمه محکوم شده‌اند؟

عیسی سحرخیز کدام بانک را آتش زده که احضار شده است؟

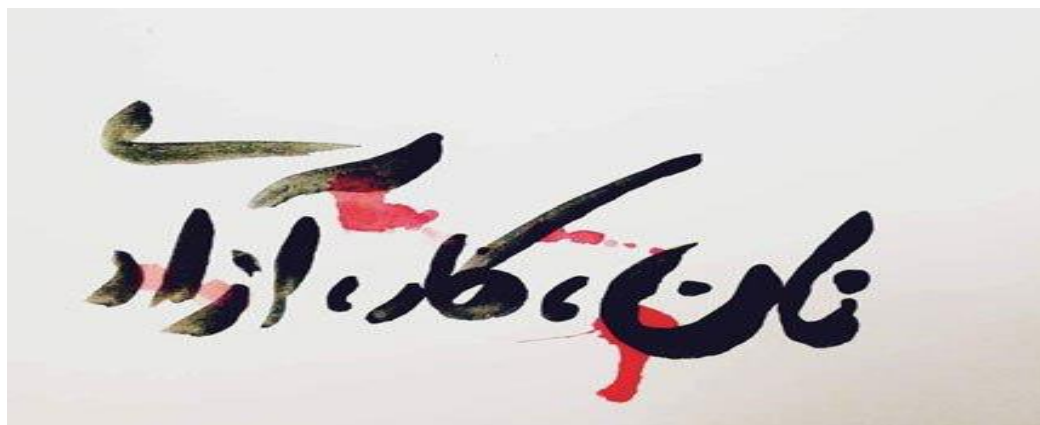
اسماعیل بخشی، اسماعیل عبدی، بهشتی لنگرودی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی در کدام شهر و خیابان با تیربار به مردم حمله کرده‌اند که به ۶ تا ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند؟

دهها وکیل، نویسنده، روزنامه نگار، که یا به قتل رسانده‌اید و یا به زندانهای طولانی محکوم شان کردید کدام خودرو و خانه را آتش زده بودند که آنها را کشتید و عذاب دادید؟

و...؟

این ها همه به صرف فعالیت مسالمت آمیز و مطابق ماده ۲۷ قانون اساسی خود شما فعالیت کرده‌اند، حتا یک نفرشان یک سنگ هم بسوی کسی و مکانی پرتاب ننموده. بگیر و بندهای شما ۴۰ سال است که ادامه دارد. تعداد کسانی را که شما به صرف فعالیت های مسالمت آمیز کشته و زندانی کرده‌اید بی شمار هستند!

پس دروغ می گوئید که اعتراض مسالمت آمیز آزاد و حق است!



**کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!**



## گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (1) - بخش چهاردهم

و سرعت بخشیدن به تغییر از طریق جنبش های چندمقطعی و ائتلاف های راهبردی انتشار نقشه راه

نامارا گاسی

ترجمه گودرز



### شخصیت اهمیت الگوی

اگر شبکه ها برای تضمین موجودیت زنان در مقام رهبری لازم هستند، داشتن الگوهایی برای رسیدن به آن نیز ضروری است. نمونه های عالی فراوانی را می توان در این زمینه مثال زد: دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های بورا و بوده است، رزا، بالاترین مقام در جنبش جهانی اتحادیه ها، از سال 2010 در اختیار شارن ITUC صنفی هافمن به به عنوان دبیرکل اتحادیه جهانی کارکنان خدمات دولتی در سال 2012 انتخاب شد، کریستی پاونلی در ژوئن امسال برگزیده شد. در سطوح ملی و منطقه ای نیز ده ها الگوی UNI سمت دبیرکل اتحادیه جهانی الوسی اولین پرزیدنت مؤتد کنگره اتحادیه های صنفی آفریقای برجسته می توان نام برد. برای مثال زینگیسو گینیز در ماه مه 2018 به سمت پرزیدنت و انتخاب مجدد زانینا در سپتامبر 2018، و اینگارو (COSATU) جنوبی - این اولین باری است که بزرگترین اتحادیه (LPSK) مانوزین به دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری لیتوانیا کارگری در لیتوانیا توسط دو زن در رهبری اداره می شود.

اما تاثیر مشاهده زنان در مقام رهبری در تمام سطوح و تمام زمینه ها یک ضرورت مثبت است. حتی در کشوری مانند ایسلند که در آن برابری جنسیتی از بسیاری کشورهای دیگر جهان پیشرفته تر است، نیاز به الگوهای توانمند در رهبری زنان در جنبش اتحادیه های صنفی باز هم احساس می شود. ماریانا تراوستدر دبیرکل مرکز کارگری ASI ایسلند می گوید: "ما زنان زیادی در مقامات بالای دولتی، نمایندگان کنگره و رهبران احزاب سیاسی ایسلند داشته ایم، ولی هنوز رهبری در اتحادیه های صنفی یک امر مردانه است و زنان محدودی به آن سمت انتخاب می شوند."

"برای مردم به ویژه زنان جوان خیلی مهم است که الگوهای مثبت در مقام رهبری ببینند که شبیه خودشان و از جنس خودشان هستند." البته همه چیز به آهستگی تغییر می کند. در ماه اکتبر دریا اسنادل اولین زنی بود که در طی 102 سال عمر ASI به عنوان پرزیدنت انتخاب شد. علاوه بر این یک کمیته مرکزی 12 نفره انتخاب شد که در آن نسبت 50-50 در بین زنان و مردان برقرار بود. تراوستدر اضافه می کند: "امسال دومین بزرگترین تشکل وابسته به ما اتحادیه صنفی افلینگ اتحادیه کارگران نیمه تخصصی و غیرتخصصی، برای نخستین بار در تاریخ خود یک رهبر زن، سولویژانا ژونسدوتر را انتخاب کرد. این یک تغییر بزرگ را برای زنان جوان رقم زده است که از این به بعد یک رهبر زن به عنوان الگوی خود دارند که از او اقتباس کنند."

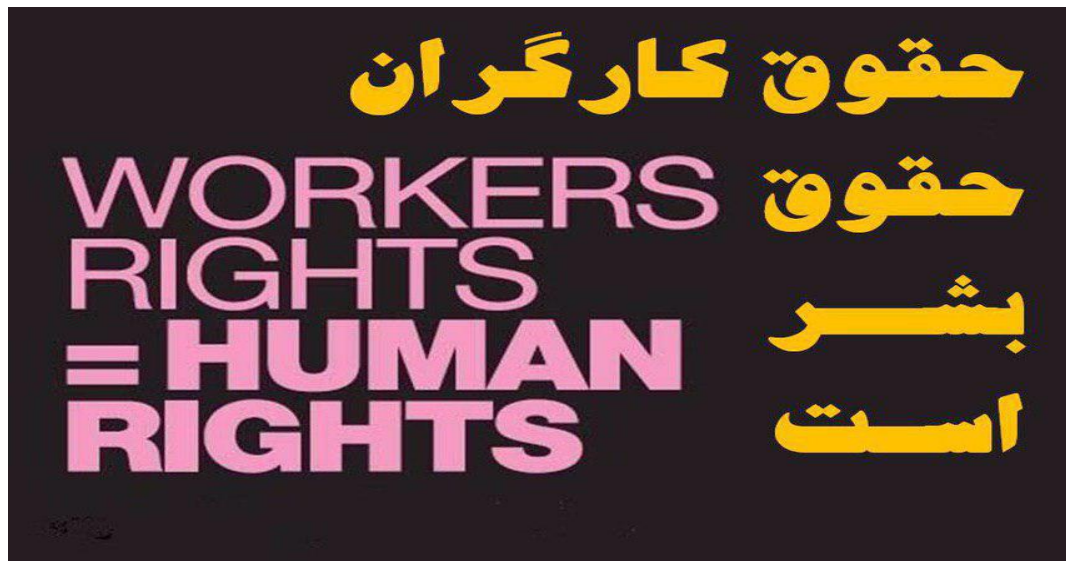
تراوستدر می گوید که شبکه ها برای حضور زنان در اتحادیه های ایسلند اهمیت حیاتی دارند. "یکی از کارهایی که من به محض پیوستن به ASII در سال 2005 انجام دادم شروع به کار ایجاد شبکه ای از زنان بود که قبلا نداشتیم. زنان از خارج ریکیاویک به شهر می آمدند تا در این دیدارها حضور یابند، برای آن که زنان دیگر را بشناسند و یا از قبل ارتباطی داشته باشند. بسیاری از زنان یونیونیست هیچ کارگر دیگری در اتحادیه شان نداشتند و در نتیجه تنها بودند و حس رفاقتی در محیط کار با زنان دیگر نداشتند و ایزوله شده بودند." حالا هر دو سال یک بار فراوستدر یک نشست دوازده روزه از زنان برای زنان عضو اتحادیه ها برگزار می



کند. "این دیدارها خیلی جالب است، ما به خارج شهر می رویم در هتل اقامت می کنیم و بر سر آخرین مسائل جدید مورد علاقه مان و روندهای موجود در برابری جنسیتی بحث می کنیم. جای مان اما محدود است و همیشه تعداد بیشتری زن هستند که می خواهند در نشست حضور یابند. با این وجود و محدودیت امکانات ولی اهمیت دارد که ما بتوانیم این ارتباطات را حفظ کنیم و این جلسات و شبکه ها را ادامه دهیم."

(1) گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-

[https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women\\_in\\_leadership\\_en\\_final.pdf](https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf)



فعالین کارگری و مدنی را آزاد کنید!





## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



تجمع کارکنان بیمارستان الزهرا اصفهان، تجمع دوباره کارگران قطار شهری اهواز، احضار ۱۶ نفر از اعضای سندیکا واحد توسط نیروهای امنیتی، اعتراض کارگران کارخانه روغن "اوپلا"، ادامه اعتراضات معیشتی در شرکت های پتروشیمی و نفتی، بدتر شدن وضعیت درآمدهای تامین اجتماعی و ادامه غارت سرمایه های تامین اجتماعی، حمایت گسترده جنبش دانشجویی از مطالبات جنبش اعتراضی کارگران علیه خصوصی سازی و سیاستهای نئولیبرالی دولت و حکومت، مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده هفته بودند.

### تجمع اعتراضی بزرگ کارکنان بیمارستان الزهرا اصفهان

کارکنان بیمارستان الزهرا در ۱۸ آذر در اعتراض به یک رشته از مطالبات معوق مانده شان در محوطه بیمارستان تجمع و خواستار پرداخت معوقات مزدی شان شدند.

کارکنان بیمارستان که شمارشان ۳۵۰۰ نفر است خواستار پرداخت دستمزد ساعات اضافه کاری شان طی ۹ ماه گذشته و دادن نهار که از دو ماه پیش به این سو قطع شده هستند.

اعتراضات در میان پرستاران و دیگر کارکنان بیمارستانها در سالهای اخیر به طرز کم سابقه ای در شهرهای مختلف افزایش یافته است. بویژه اعتراضات در موسسات درمانی خصوصی شده که درآمد بالایی هم دارند گسترده تر بوده اند. تغییر قراردادهای کاری، لغو یک رشته از حقوق قانونی و عرفی کارکنان، افزایش فشار کار، قطع مزایای شغلی، عدم افزایش مکفی دستمزد و محرومیت از حق تشکّل، مهمترین دلایل اعتراضات دامنه دار این بخش از مزدبگیران کشور هستند. اعتراضاتی که کم و بیش با اعتراضات کارگران و مزدبگیران مشابه هستند. دولتمردان و کارفرمایان سودآور نبودن واحدهای تولیدی را علت تعدیل مزایای مزدی و کاری کارگران و بی پاسخ گذاشتن مطالبات آنها جا می زنند. اما در مورد بیمارستانها نمی توانند این دروغ ها را بخورد مردم بدهند. هم مردم و هم کارکنان بیمارستانها می دانند که بیمارستانها سود هنگفتی دارند و علت تعدیلات مزدی و از بین بردن حقوق سندیکایی زیاده خواهی صاحبان ثروتمند بیمارستانهاست. اعتراضات پرستاران نشان می دهد نارضایتی از سیاستهای اقتصادی - اجتماعی دولت و حکومت محدود به کارگران تولیدی نیست و معیشت و شرایط زیستی همه زحمت کشان را به مخاطره انداخته و میدان زورگویی و تشدید استثمار نیروی کار توسط کارفرمایان را بیش از پیش فراح نموده است. وجود این مشترکات ضرورت همبستگی و سازماندهی اعتراضات مشترک میان گروه های مختلف مزدبگیران را به نیازی مبرم و عاجل تبدیل نموده. نیازی که بدون عمل به آن روز به روز فشار معیشتی به مزدبگیران بیشتر و حق و حقوق و دست آوردهای جنبش کارگری بیشتر و بیشتر توسط سرمایه داران به تاراج برده خواهند شد. قدم نخست در این راه تشکیل اتحادیه سراسری کارکنان بخش درمان و خدمات است. اعتراضات پراکنده گرچه در این جا و آنجا می توانند نتایجی برای کارگران در بر داشته باشند، بدون وجود تشکلهای نیرومند دیر یا زود از دست می روند. این همه اعتراض و نارضایتی هرگاه یک کاسه و هماهنگ شوند و سازمان بیابند، شرایط معیشتی و شغلی زحمتکشان را دگرگون خواهند کرد. راه دیگری جز این در برابر طبقه کارگر قرار ندارد. انجام این مهم گرچه آسان نیست ولی ممکن است.

### تجمع کارگران قطار شهری اهواز

کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز، برای چندمین بار در ۱۸ آذر دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند. علت اعتراض کارگران پرداخت نشدن دستمزد هایشان توسط شرکت پیمانکار در ۹ ماه گذشته و رسیدگی نکردن مسئولین ذیربط به شکایات کارگران طی این مدت است. کارفرما با اینکه طلب های خودش را از شرکت قطار شهری اهواز وصول نموده، اما از پرداخت دستمزدهای معوق مانده کارگران طفره می رود. گفته می شود علت عدم رسیدگی به شکایات کارگران از



کارفرما ناشی از حمایت‌هایی است که از او در بین مسئولین ذریبط وجود دارد و کارفرما با استفاده از این موقعیت به بهانه‌های مختلف از پرداخت دستمزد کارگران که جز بدیهی‌ترین حقوق اولیه کارگر است طفره می‌رود. مطابق قانون کار پرداخت نکردن دستمزد که شرایط آن هم در قانون تعیین شده جرم تلقی شده و کارفرمای خاطی بایستی تحت پیگرد قانونی قرار گیرد! با این حال مسئولین وزارت کار که سر سپرده سرمایه‌داران هستند، وقتی به شکایت کارگران نمی‌نهند. به احتمال زیاد و چنانکه در "حکومت عدل علی به رهبری سید علی" مرسوم و جا افتاده است صاحب شرکت با پولهای دستمزد کارگران که در مجموع رقم بزرگی می‌شود، مشغول تجارت و دلالی و فعالیت‌های پر سود اقتصادی است و گرسنگی کشیدن کارگران اش برایش هیچ اهمیتی ندارد!

## احضار ۱۶ نفر از اعضای سندیکای واحد به مراکز سرکوب

بنا به اطلاعیه منتشر شده توسط سندیکای کارگران شرکت واحد، در این هفته ۱۶ نفر از اعضای سندیکا به مرکز پلیس امنیت احضار شده‌اند. احضار این تعداد از اعضای سندیکا به احتمال زیاد بواسطه حمایت سندیکا از خیزش آبان ماه زحمتکشان و محکوم کردن سرکوب خشن و خونین آن و نقض حق اعتراض است که هم در قانون اساسی موجود مورد تاکید قرار گرفته و هم مقامات ارشد حکومتی و دولتی همه روزه در ظاهر از آن دفاع می‌کنند. همین احضار و سرکوب و زندانی کردن چند باره شمار زیادی از رهبران و فعالان این سندیکا طی بیش از یک دهه و جلوگیری از فعالیت آزادانه آن خود بهترین گواه بر لگد مال شدن قانون اساسی، حقوق سندیکایی و ادعای آزادی حق اعتراض توسط مقامات رنگارنگ دولتی و حکومتی است. این سندیکا و رهبران آن تاکنون مگر مرتکب کدام خشونت‌هایی شده‌اند که توسط پلیس امنیت دوباره احضار شده‌اند؟ احضارها و تهدیدات البته فراتر از این مورد است که اعلام شده است. به همین خاطر به نظر می‌رسد که شماری از افراد احضار شده را که بیشترشان هم بخاطر فعالیت سندیکایی سابقه زندان دارند، با پرونده سازی و وارد کردن اتهامات ناروا به آنها روانه زندان کنند. علاوه بر آنها بیم آن می‌رود که با فعالین نهادهای مدنی و اجتماعی دیگر که کشتار شرکت کنندگان در خیزش آبان را محکوم و با خانواده‌های جان باختگان اظهار همدردی و همبستگی نموده‌اند رفتار مشابهی انجام دهند. بهمین جهت لازم است که در مقابل این اعمال جنایتکاران حاکم که مذبحخانه تلاش می‌کنند بر جنایات خود سرپوش بنهند و مانع بر سر راه ادامه خیزش مردم قرار دهند بطور گسترده ایستاد. در هر حال این اعمال سرکوبگرانه که نابودی خشونت‌آمیز نهادهای عدالتخواه و مدافع آزادی را هدف قرار داده‌اند، این بار نیز به مقصودشان نخواهند رسید.

## اعتراض کارگران کارخانه روغن "اویلا"

کارگران روزمزد کارخانه "اویلا" در ۲۰ آذر نسبت به شرایط استخدامی و نداشتن امنیت شغلی و ناچیز بودن دستمزد هایشان اعتراض کردند. بنا به گزارش "ایلنا" کارگران کارخانه مذکور واقع در شهرستان تاکستان، که بصورت روزمزدی کار می‌کنند، خواستار تبدیل وضعیت شغلی شان از روزمزد به کار با قرارداد رسمی هستند. کارگران معترض که بصورت پاره وقت بین ۵ تا ۱۵ روز از ماه را در این شرکت کار می‌کنند، می‌گویند دستمزدشان کم است و کفاف معیشت شان را نمی‌دهد.

یکی از کارگران با اشاره به نداشتن امنیت و ثبات شغلی کارگران گفته: "درآمد ماهانه ما با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور که قیمت همه اجناس مصرفی و غیرمصرفی هر روز گرانتر می‌شود، کفاف معاش زندگی ما را نمی‌دهد". به عقیده این کارگر تغییر شرایط استخدامی می‌تواند به ثبات شغلی و بهبود دستمزدشان منجر شود. استخدام کارگران به صورت روز مزد در کارخانه‌های تولیدی که تولید مستمر دارند، قبلاً چندان معمول نبوده است که اینک در این کارخانه باب شده است! آنطور که از گزارش بر می‌آید به کارگران طبق روزهایی که کار می‌کنند دستمزد تعلق می‌گیرد و آنها حداکثر ۱۵ روز از ماه را مزد می‌گیرند. این به معنی آن است که کارگر حداقل نیمی از ماه را مزدی نمی‌گیرد و باید الاف کارفرما باقی بماند و به تبع آن کارگر بخشی از حقوق دیگرش را از دست می‌دهد و کارفرما هر وقت نخواهد او را به سر کار راه نمی‌دهد و از حق و حقوق اخراج و غیره هم خبری نخواهد بود! به این می‌گویند استثمار و بی حقوقی مضاعف و بی آینده‌گرایی برای کارگر و سود مضاعف برای کارفرما!

## ادامه اعتراضات در شرکت‌های پتروشیمی

طبق گزارشات منتشر شده اعتراضات کارگری در شرکت‌های پیمانکار در صنایع نفت و پتروشیمی همچنان ادامه دارد و حداقل در سه شرکت طی این هفته کارگران نسبت به پرداخت نشدن دستمزد هایشان و دیگر مطالبات صنفی به اعتراض برخاسته‌اند. در شرکت حفاری شمال کارگران نسبت به ندادن دستمزد هایشان طی دو ماه گذشته اعتراض کرده‌اند. کارگران پتروشیمی تندگویان ماهشهر نسبت به شیوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتراض نمودند. به گزارش "ایلنا" ۱۵۰۰ کارگر در شرکت پتروشیمی تندگویان مشغول به کار هستند و امورات کاری آن به ۱۲ شرکت پیمانکار سپرده شده‌اند. پس از این اعتراض کارفرما قول رسیدگی به خواسته‌های کارگران طی دو ماه آینده را داده است. اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از مطالبات شرکت‌های پیمانی در سالهای اخیر بوده است که کارفرمایان حاضر به پرداخت دستمزد بر اساس سابقه و تخصص به کارگران نمی‌شدند و دستمزد اکثر کارگران اعم از ماهر و غیر ماهر در حد دستمزد حداقل ثابت می‌ماند. اینک که کارگران موفق شده‌اند در اثر مبارزات



بسیار خواست طبقه بندی را به کارفرمایان بقبولانند، کارفرماها می کوشند این قانون را طوری اجرا کنند که به افزایش دستمزد کمتری منجر شود و البته برای ایجاد تفرقه در میان صفوف کارگران با تبعیضاتی که در اجرای آن اعمال می کنند، از آن هم تا می توانند سواستفاده می کنند. این نکته بسیار مهمی است که کارگران بایستی به آن توجه نمایند و نگذارند کارفرما از آن وسیله‌ای درست کند برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگرانی که بدون مبارزه مشترک نمی توانستند کارفرما را وادار به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کنند. در برخی دیگر از شرکتهای پتروشیمی "بندر امام" نیز که طرح طبقه بندی به اجرا نهاده شده اعتراضات مشابهی با نحوه اجرای طرح طبقه بندی صورت گرفته است که هنوز نتیجه آن روشن نشده.

## ادامه غارت اموال تامین اجتماعی

برخی گزارشات منتشر شده در این هفته حاکی از ادامه غارت اموال سازمان تامین اجتماعی و افزایش آن بعد از وزیر شدن شریعتمداری توسط دولت و وابستگان به حکومت است. در همین رابطه یکی از اعضای هیئت امنای تامین اجتماعی که نگران فروپاشی تامین اجتماعی در اثر این غارت ها و کاهش فزاینده درآمدهای این سازمان است، خبر از افزایش بدهی های دولت به ۲۵۰ هزار میلیارد در سال جاری داده است. این بدهی البته بدهی هایی را که دولت بابت سهمیه حق بیمه اش طی سالهای گذشته نپرداخته و خود به تنهایی مبلغ کلانی است، شامل نمی شود. رقم واقعی بدهی های دولت نیز مرتب با تغییر ارقام واقعی آنها به عمد کاهش داده می شود. بطوری که کمتر کسانی هستند که رقم واقعی بدهی ها را می دانند و این عده نیز به دلیل سهم و سودی که از این بابت نصیب شان گردیده یا سکوت اختیار نموده یا ارقامی را که مقامات دولتی اعلام می کنند تأیید می کنند. متأسفانه روند فروپاشی مالی سازمان تامین اجتماعی نیز موجب قطع سرقت اموال تامین اجتماعی نشده و بیم آن می رود که اگر کارگران نتوانند به این غارت خاتمه دهند، پس اندازهای چند نسل به غارت برده شود و همراه آن امنیت اقتصادی - اجتماعی دهها میلیون نفر از مردم کشور به باد فنا سپرده شود.

## همبستگی گسترده دانشجویان از حقوق کارگران در سالگرد جنبش دانشجویی

هزاران دانشجو با وجود سایه سنگین جو امنیتی بی سابقه بر سر جامعه و سرکوب خونین خیزش مردمی آبان مراسم روز دانشجو را در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی شهرهای مختلف شجاعانه برگزار کردند. با وجود بازداشت و در زندان بودن شمار بسیاری از دانشجویان شرکت کننده در خیزش دلاورانه زحمتکشان، اجتماعات گسترده‌ای توسط دانشجویان برگزار گردید.

دانشجویان با شرکت در اجتماعات ۱۶ آذر امسال نشان دادند که مرعوب جو نظامی حاکم بر جامعه نشده و نمی شوند. در تمام اجتماعات ویژه ۱۶ آذر دانشجویان چپ و آزادیخواه علاوه بر محکومیت کشتار زحمتکشان و اعلام مجدد همبستگی و همدردی با خانواده جانباختگان و زندانیان خیزش آبان بطور وسیع از مبارزات و مطالبات جنبش کارگری حمایت و با آن اعلام همبستگی کردند. دانشجویان در تجمعات خود بر سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی دولت روحانی، خصوصی سازی و سیاستهای تبدیلی حکومت ناخند و مخالفت خود با این سیاستها که موجب فقر و فلاکت کارگران، معلمان و سایر زحمتکشان و گسترش تبعیض و نابرابری و بی عدالتی گردیده اعلام کردند. آزادی کارگران و دیگر زندانیان سیاسی از دیگر خواستههای مطرح شده در اجتماعات دانشجویی امسال بود. برآمد بخش چپ جنبش دانشجویی در روز دانشجو نسبت به سالهای گذشته چنان نیرومند و پرطنین بود که موجب شادی و شغف عدالتخواهان و واکنشهای منفی و متفرعانه مخالفان برابری و دشمنان عدالت و آزادی شد. برآمد نیرومند ۱۶ آذر امسال جنبش دانشجویی همچنین نشانه دیگری از نیرومند شدن جنبش چپ و کارگری است. برآمد امسال جنبش دانشجویی می توانست بسی از این نیرومندتر باشد، هرگاه شمار زیادی از رهبران آن در زندان نبودند، جو سنگین و بی سابقه نظامی بر کشور حاکم نبود و هجوم نیروهای امنیتی برای شکار خانه به خانه فعالین مدنی و سیاسی سراسر کشور را فرا نگرفته بود و زندانها با بازداشت هزاران نفر از جوانان عدالتخواه کشور سرریز نشده بود. همزمانی برآمد ۱۶ آذر جنبش دانشجویی با خیزش آبان و در اوج اعتراضات کارگری خبر از آغاز فصل مبارزاتی جدیدی دارد که نیروهای ترقی خواه در آن نقشی اساسی به عهده خواهند داشت.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!**